

« تاریخ انجمنهای ادبی اصفهان »

انجمن تبریزی

در سالهای بین دوره دوم و سوم انجمن کمال یعنی در سال ۱۳۳۱ مجمعی در دبیرستان تبریزی واقع در چهارباغ پائین دایر گردید . این مجمع بمناسبت نام محل بانجمن تبریزی موسوم شد و همه هفته صبحهای جمعه تشکیل میگردد . سرپرستی آن با آقای صغیر بود و گویند گانی که در انجمن خاکیا شرکت میکردند در این مجمع هم حضور می یافتند و البته باستانی آن عده که یافوت شده و یا از اصفهان خارج شده بودند همه همان گویند گانی بودند که در انجمن کمال نیز حضور پیدا میکردند . در میان اعضاء این انجمن جوانانی نیز بچشم میخورند که یا تازه قدم بر صحنه شاعری نهاده و یا اینکه اگر سابقه شاعری هم داشتند در این جا تازه وارد محسوب میشدند از این عده آقایان زیر را میتوان نام برد :

- ۱ - مرحوم سیداحمد معروف بحاج علم الهدی شیرازی ۲ - آقا میرزا عباس فایض که از شیوخ شعرای اصفهان و از اعضاء انجمن شیدا بود ۳ - دکتر محمد سیاسی ۴ - محمد رضا بخردی (دانا) ۵ - رضا قربانی (بینا) ۶ - عباس (کاظمی)
- ۷ - محمد علی صاعد ۸ - سیداحمد (آزاد)

روش این انجمن مانند غالب انجمنهای قبل طرح غزل بود و بسایر شئون ادب کمتر توجه داشتند . متأسفانه عمر آن بسیار کوتاه بود و بیش از یکی دو سال دوام نکرد

انجمن ادبی اصفهان

در اردی بهشت ماه ۱۳۴۰ آقای دکتر محمد سیاسی که علاوه بر حرفه اصلی شاعری نکته‌پرداز و جوانی باذوق و ادب‌دمساز است انجمنی در منزل شخصی خود واقع در چهار راه کرمانی (خیابان حافظ) ترتیب داد که همه هفته عصرهای سه‌شنبه تشکیل میشود. سرپرستی آن بعهده خود اوست و اعضاء آن کم و بیش همانهایی هستند که در انجمن تبریزی و دوره سوم کمال شرکت میکردند. انجمن مزبور که هنوز هم دایر است با گرمی و شوری خاص همه هفته جلسات خود را تشکیل میدهد و علاوه از طرح‌غزل که سنت دیرین انجمنهای ادبی اصفهان است موضوعاتی نیز مطرح میگردد. حقیر گاهگاهی در مجمع مزبور شرکت جست و از محضر شعراء و گویندگان حاضر در انجمن استفاده شایانی کرده است. چون تشکیل این انجمن خالی از هرگونه شائبه حب و بغض بوده و مؤسس آن علاقه و شوق مفراطی بشعر و ادب دارد امید میرود که با همت و پشتکاری که از خود نشان میدهند در ترویج فرهنگ و ادب پارسی موفقیت‌هایی بدست آورند و فقهم الله تعالی.

انجمن مکتب صائب

در اوایل سال ۱۳۴۴ با همت جمعی از گویندگان مخصوصاً آقای محمد بیربای گیلانی که شیدا تخلص دارد انجمنی در محل آرامگاه صائب بنام بزم صائب تأسیس شد و هر هفته صبحهای جمعه با حضور جمعی از شعرا جلسات خود را تشکیل میداد. پس از چند ماه بعلت نداشتن جای مناسب (انجمن آنها در زیر سایه درختان باغ صائب تشکیل میشد) و رسیدن زمستان و علل دیگر انجمن مزبور تعطیل شد و مجدداً در اول خردادماه ۱۳۴۵ بنام انجمن مکتب صائب افتتاح یافت. اعضاء اصلی آن که هیئت مؤسسين هستند ۱۴ نفرند که دارای اساسنامه و نظامنامه خاصی میباشند و جلسات آنها در کمال نظم و ترتیب صبحهای جمعه در اطاق محقری که در آرامگاه صائب در اختیار دارند تشکیل میشود ریاست جلسات فعلاً با آقای محمد حسین صغیر است و هر هفته نظامت آن بایکی از

اعضاء اصلی میباید . برنامه آن عبارت از اینست که در آغاز چند غزل از دیوان صائب خوانده میشود و حاضران در باره آن بحث و نقد و احیاناً بتصحیح و تحشیه میپردازند سپس طرح انجمن (اعم از غزل یا موضوع) بوسیله شعرا قرائت میگردد و بعد هر کدام اثر تازه داشته باشند انشاء میکنند . جلسه مقارن ظهر تعطیل میشود هدف اصلی این انجمن ترویج سبک صائب و پیروی از مکتب اوست و بهمین لحاظ غزلهای مطروحه نیز عموماً از صائب انتخاب میشود .

هیئت مؤسسين (بارعایت تخلص آنها بترتیب حروف تهجی) عبارتند از بصیر (عبدالکریم) بینا (رضاقربانی) دانا (رضابخردی) دریا (رضابهبشتی) شیدا (محمد بی‌ریا) گیلانی (صغیر) (محمد حسین) صاعد (محمد علی) متین (محمد حسن بهنیا) مشفق (ضرغام) مصور (حاج مصور الملکی) مظاهر (علی) نوا (محمد جعفر نوابخش) نواب (دکتر عبدالباقی) یکتا (مجید اوحدی) و آقای شیدا بسمت دبیر انجمن انتخاب شده‌اند و از گردانندگان مؤثر آن محسوب میشوند .

این جانب قطعاً در تاریخ تأسیس این انجمن سرورده‌ام که درج آن در اینجا بی‌مناسبت نیست لذا قطعاً بنظر خوانندگان گرامی رسانده و گفتار خود را پایان میدهم قطعاً این است و لازم بتذکر نیست که صنعت براعت و استهلال در آن بکاررفته :

به از سخن نغز ز مجموع مواهب	گویند بشر را بجهان موهبتی نیست
شو خدمت او کن که چو او نیست مصاحب	هر کس که بود صاحب این موهبت از جان
وز آنهمه استاد یکی صابی و صاحب	از آنهمه گوینده یکی حافظ و سعدیست
باید که دهی تن بهمه گونه متاعب	باید که نهی سر بهمه کوی و همه در
گاهی بمدارس در و گاهی بمکاتب	باید که خوری خون و کنی خدمت استاد
تا آنکه شود فکر تو پر دخته و صائب	تا آنکه شود شعر تو سنجیده و ستوار
گوید سخن امانه بطبع است مناسب	بس شاعر مکنار که شعرش نبود نغز
برخواند و جدا کرد مصادق ز مکاذب	باید که سخنهای صنا دید ادب را
ایراد معانی بهمه گونه قوالب	باید که بدانی همه آداب و قواعد

خواه آن بر سائل دروخواه آن بکتاب
 ز انسان که کنی فرق محاسن ز معایب
 شاید که شود نثر تو مطلوب طوالب
 هستی بسخندانی اگر مایل و راغب
 مطلوب سخنگوئی و آنان همه طالب
 بینا و بصیرند بانواع مطالب
 در کار و روش صاحب جاهند و مراتب
 در فضل و ادب جمله خداوند مناصب
 در سنت و آداب سخن جازم و ناصب
 شیدای احباء و هوا خواه اقارب
 دری که بود خازن او حضرت و اهاب
 از بوی خوشش تازه شود روح بقالب
 در پا کدلی جمله چوانوار کواکب
 بنگر تو بر این طایفه از حاضر و غایب
 بر جای نهادند ز خود تالی و نایب
 کاینان همه بر فضل و کمالند صواحب
 این مکتب و کوه شد از آن دست اجانب
 باقی و مصون باشد از آسیب نوائب

بسیار سخن خوانی و بر یاد سپاری
 زان پس که شدی چیره بانواع سخنها
 باشد که شود شعر تو مطبوع طبایع
 در مکتب صائب بادب پای فرانسه
 جمعی پی ترویج سخن بسته میان را
 یک جمع سخندان و سخنگوی و سخن سنج
 در خوی و منش جمله متینند و گران سنگ
 در شعر و غزل جمله نوابخش و نواخوان
 دانا و سخندان ز صغیرند و کبیرند
 در دوستی و مهر و محبت همه مشفق
 از طبع چو دریا در معنی بفشانند
 صاعد چو شود از دهمشان نغز شمیمی
 در نیکخوئی جمله چو ارواح مصور
 گر فضل و ادب را بتوان دید مظاهر
 گر حافظ و سعدی ز جهان رخت بیستند
 خواهی نگری آنان بنگر تو بنواب
 صد شکر که از همت این جمع پیا کشت
 امید که این انجمن فیض بماناد

یکنا پی سال و مه تاسیس چنین گفت

(ایدل سخن آموز بود مکتب صائب)

۱۳۸۶ هجری

در خاتمه ناگفته نماند که در طی مدت دو قرن اخیر غیر از انجمنهایی که نام بردیم
 انجمنهای ادبی دیگری نیز در اصفهان وجود داشته که بعضی ثابت و برخی سیار بوده اند

از جمله انجمن میرزا صادق خان انصاری را باید نام برد که حدود ۴۰ سال قبل در محل مدرسه علیه اصفهان (واقع در خیابان استانداری فعلی) صبحهای جمعه تشکیل میشد همچنین انجمن وحید دستگردی که در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ با عضویت آقایان عبدالحسین سینتا ، دکتر عبدالباقی نواب ، دکتر سیف‌اله وحیدنیا ، سید مجتبی کیوان و بعضی دیگر بطور سیار جلسات خود را هفته یک بار تشکیل میداد و باز انجمن شمع حقیقت و انجمن سعدی که هنوز هم دایر است .



- ۱ - میرزا موسی انصاری متوفی ۱۳۶۰ هـ . ۲ - مصطفی قلیخان سینا . در سال ۱۳۵۳ ناپدید شد .
- ۳ - میرزا حسن آتش متوفی ۱۳۴۹ هـ . ۴ - ملک الشعراء بهار متوفی اردیبهشت ۱۳۳۰ .
- ۵ - سید عبدالرسول بزمی متوفی ۱۳۵۵ هـ . ۶ - حسین شجره .
- ۷ - محمد کاظم غمگین متوفی ۱۳۵۵ . ۸ - میرزا حسن ساکت ۱۳۵۷ هـ . ق

۱ - آقای وحیدنیا با آنکه در حوادث سن بود در دوره دوم انجمن کمال حضور می یافت و اشعاری بنام مستعار بچه دهاتی در جراید محلی روز انتشار میداد و از همان اوان مصداق این بیت سعدی بود .

می تافت ستاره بلندی

بالای سرش ز هوشمندی